

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبانهای فارسی و آلمانی

دکتر ملوک السادات حسینی بهشتی^۱

الهه دزیانیا^۲

چکیده:

زبان‌های فارسی و آلمانی معاصر مقاله حاضر اصطلاحات خویشاوندی در دو زبان فارسی و آلمانی را بررسی نموده و شاخصهای زبانی مختلف اعم از فهرست واژگان، واژگان خویشاوندی ترکیبی، تاثیر جنسیت و گذر زمان را در واژگان خویشاوندی و همچنین اصطلاحات و ضرب‌المثلها را در این دو زبان با یکدیگر تطبیق داده و مقایسه می‌نماید. سپس به بررسی تفاوت‌های دستوری موجود در واژگان خویشاوندی دو زبان می‌پردازد. همچنین به منظور یافتن رابطه میان الگوهای فکری، فرهنگی و شاخصهای زبانی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و اطلاعات لازم با استفاده از روش کتابخانه‌ای (اسنادی، اینترنتی) گردآوری و تفاسیر زبانی و فرهنگی مرتبط با هر یک از زبان‌ها براساس روش تطبیقی جرج بردی (توصیف، تفسیر، مقایسه و تطبیق) که در زمره روش‌های توصیفی-تحلیلی است ارائه می‌گردد. در این مقاله با استفاده از تحلیل‌های آماری توصیفی، بررسی گستردگی معنایی، جنسیت و ترکیب عناصر واژگان خویشاوندی انجام گرفته تا الگوهای موجود در ساخت و نحوه استفاده از این واژه‌ها مشخص گردند. قلمرو این تحقیق و همچنین جامعه‌شناسی زبان می‌باشد

beheshti@irandoc.ac.ir

elahedezyanian@gmail.com

^۱ استادیار پژوهشکده علوم اطلاعات

^۲ کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

مقدمه

مطالعات زبانی با پژوهش‌های اجتماعی، به ویژه روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، جغرافیای انسانی و... پیوند می‌یابد. کارکردهای زبان در علوم انسانی بصورت محصولی اجتماعی است و ابزاری برای دستیابی به فرهنگ یک جامعه، این پدیده اجتماعی و فرهنگی بصورت نماد در زندگی روزمره انسان‌ها اثر گذاشته که از طریق برقراری ارتباط اجتماعی و کنش متقابل اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر توانسته‌اند اندیشه‌ها و میراث فرهنگی خود را با یکدیگر مبادله نمایند و تا به امروز حفظ کنند. هر کس اگر غیر از زبان مادری خود زبان یا زبان‌های دیگری بداند و سعی کرده باشد از آن زبان‌ها استفاده کند، یقیناً متوجه تفاوت‌های زیادی بین زبان‌ها می‌شود. معنی واژه‌ها در دو زبان هر قدر به هم نزدیک باشد، بعضی تقریباً نه تحقیقاً در برابر هم قرار می‌گیرند. یکی از حوزه‌های معنائی که در مقایسه زبان‌های مختلف بطور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته حوزه روابط خویشاوندی است. پژوهش‌واژگان خویشاوندی در زبان‌های متفاوت بدون شناخت مفاهیم علمی خویشاوندی و تعاریف انواع آن و همچنین شناخت اجتماعی و آداب و رسوم ملل متفاوت امکان پذیر نمی‌باشد. روابط خویشاوندی به معنای عام کلمه یعنی وجود رابطه خویشاوندی میان انسان‌های یک گروه خویشاوند. به معنای دقیق تر کلمه، رابطه خویشاوندی یعنی وجود و برخوردار بودن از روابطی چون: روابط خونی، روابط سببی، روابط نسبی، روابط جانبی و هم چنین روابط میان خواهر و برادر. اصطلاحات خویشاوندی برخی تنها از یک واژه بنیادی تشکیل شده‌اند و برخی بصورت اصطلاحات ترکیبی به کار می‌روند اصطلاح ترکیبی ممکن است از ترکیب اصطلاحاتی از یک شبکه ساخته شود مانند دختر خواهر که هر دو اصطلاح انتخابی از شبکه نسبی می‌باشند. ممکن است اصطلاح ترکیبی در نتیجه ترکیب دو اصطلاح از دو شبکه متفاوت بوجود آید مانند پدر عروس که یک انتخاب آن از شبکه نسبی و دیگری از شبکه سببی است. به همین ترتیب ممکن است که اصطلاح ترکیبی در نتیجه دو انتخاب از یک شبکه و یک انتخاب از شبکه دیگر بوجود آید مانند زن برادر زن که دو انتخاب آن از شبکه سببی و یک انتخاب آن از شبکه نسبی می‌باشد. موارد گفته شده در رابطه با اصطلاحات ترکیبی در بالا در زبان فارسی صادق است. به لحاظ معنایی در اصطلاحات خویشاوندی به مواردی بر خورد می‌کنیم که بعضی از اصطلاحاتی که به روابط خویشاوندی دلالت دارند، ممکن است در مواردی به روابط غیر خویشاوندی هم دلالت کنند (مثلاً Vater برای پدر و همینطور کشیش)، یا اینکه یک اصطلاح ممکن است بر دو نوع رابطه خویشاوندی دلالت کند یا اینطور به نظر آید. (مثلاً Onkel که به بردادر والدین گفته می‌شود و ممکن است

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی ۳

به شوهر خاله و شوهر عمه هم گفته شود). جهت یافتن نقاط مشترک و یا مغایرتهای موجود میان اصطلاحات خویشاوندی در زبانهای فارسی و آلمانی به بررسی این اصطلاحات در هر دو زبان بطور مجزا خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

تنها در سه دهه گذشته است که نقش عوامل اجتماعی در ساخت، کاربرد و تحول زبان مورد توجه جدی زبان‌شناسان قرار گرفته است و ویلیام لباو^۱ یکی از نخستین گامهای اساسی را در این زمینه بر داشته است زمینه اصلی تحقیقات لباو گوناگونیهای زبانی و توجیه آنها بر پایه متغیرهای اجتماعی است (مدرسی، ۱۳۹۰: ۳۳) در کنار این مطالعات جنبه‌های دیگر زبان در ارتباط با عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و غیره نیز مورد بررسی قرار گرفت و این رشته از مطالعات زبانی به جامعه‌شناسی زبان یا زبان‌شناسی اجتماعی معروف گردیده است. در واقع جامعه‌شناسی زبان بیشتر به بعد نقشی زبان توجه دارد. ادوارد ساپیر^۲ (۱۹۲۱) زبان را بخشی از فرهنگ و پیکره‌ی سنتی و عادات اجتماعی می‌داند و تنوع نامحدود زبان‌ها را با مسائل فرهنگی، همچون مظاهر و اعتقادات و آداب و رسوم و هنرها، در نزد ملل گوناگون مقایسه می‌کند. ساپیر مدعی شد فرهنگ بر زبان تاثیر گذار است از نظر وی فرهنگ فقط شامل افعال و اعمال صرف جامعه یا جماعتی از مردم نیست بلکه شامل معنای رفتار آنان نیز می‌شود. (آنفیلد^۳، ۲۰۰۲: ۴۰). ساپیر مدعی است که واژگان یک زبان به وضوح محیط جغرافیایی و اجتماعی یک قوم را منعکس می‌کند. در واقع کل واژگان یک زبان سیاهه پیچیده‌ای از اندیشه‌ها، تصورات، علائق و مشاغلی است که توجه آن قوم را به خود جلب کرده اند. (ساپیر، ۱۹۱۲: ۲۲۸). به اعتقاد وورف^۴ تصورات ذهنی سخنگویان مختلف بسته به میزان تفاوت زبان‌هایی که بکار می‌برند می‌توانند متفاوت باشند. بر اساس نگرش وورف برای مثال تصورات ذهنی یک ژاپنی با تصورات ذهنی یک انگلیسی کاملاً متفاوتند و علت اینست که دستور این دو زبان تفاوت زیادی دارند. از سوی دیگر قرابت ذهنی یک آلمانی خود بخود با یک انگلیسی بیشتر است. زیرا این دو زبان تفاوت کمتری با یکدیگر دارند. (استاینبرگ^۵، ۱۳۸۱: ۱۸۱)

بدین ترتیب با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان دریافت که هر زبانی ساختار خاص خود را دارد. ما دنیا را از دریچه زبانمان درک می‌کنیم کمبود اصطلاحات به خصوص برای نسبت‌های خویشاوندی نسبی در یک زبان به خصوص به معنای این نیست که گویندگان این زبان نمی‌توانند مثلاً مادرشان را از زنان دیگر در همان رده سنی خودشان تشخیص بدهند. فقط به این معناست که در زبان و جامعه‌شان همچنین تمایزی مهم نیست انسان‌شناسان به این مسئله که چگونه مردم خویشاوندان خود را در جوامع مختلف

نامگذاری می‌کنند توجه نشان داده‌اند. مثلاً در زبان فارسی اصطلاحات مشخصی برای برادر، خواهر، برادرو خواهر مادر، برادر و خواهر پدر و... وجود دارد که بین آنها فرق بسیار است، اما در برخی جوامع این اصطلاحات خویشاوندی می‌تواند محدودتر باشد به طوری که مثلاً آلمانی زبان‌ها بین عمه و خاله یا دایی و عمو به لحاظ واژگانی تمایزی قائل نیستند. بدین ترتیب می‌توان گفت که محیط اجتماعی می‌تواند در زبان بازتاب یابد. در این مقاله با توجه به مطالب گفته شده جامعه‌شناسی زبان را مورد بررسی قرار داده و با توجه به زبان‌شناسی تاریخی تغییر و تحولات زبانی را در طول تاریخ در دو زبان فارسی و آلمانی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیشینه

مفاهیم تاریخی شاخه‌ای از علوم انسانی است که بطور خاص در علم تاریخ و پژوهش‌های فرهنگی بواسطه معناشناسی تاریخی به شرح و بررسی مفاهیم می‌پردازد. با این توصیف ریشه تغییر و دگرگونی معانی و مفاهیم مبنایی سرنوشت ساز برای درک و فهم فرهنگ و قلمرو سبک‌شناسی زبان امروز خواهد بود. کی از مفاهیمی که نقش اساسی را در فرهنگ جوامع به عهده داشته و در طول تاریخ دچار تغییر و تحول گردیده مفاهیم مربوط به خویشاوندی است. در طول تاریخ بروز جنگ‌ها و اتحاد ملت‌ها باعث قرض‌گیری زبانی گردیده است. اصطلاحات خویشاوندی نیز در این گیرودار مستثنا نبوده است به طور مثال اصطلاحات خویشاوندی مربوط به یک خانواده هسته‌ای شامل پدر، مادر، خواهر، برادر، دختر، پسر، زن و شوهر از دوره باستان به فارسی امروز رسیده‌اند اما اصطلاحات مربوط به عمه، عمو، خاله، دایی (که بصورت خال یا خالو هم در متون فارسی آغازین به کار رفته است) از زبان عربی و ترکی قرض‌گیری شده‌اند. در زبان آلمانی هم یکی از این واژگان عروس به معنای همسر پسر schwiegertochter است که از زبان رومی به آلمانی وارد شده است. در حدود سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی به علت اتحاد ملت‌های فرانسه و المان در جنگ‌های صلیبی تعدادی از واژگان از زبان فرانسه به زبان آلمانی وارد شدند. دایره واژگان آلمانی مانند هر زبان دیگر در نتیجه تبادلات فرهنگی مرتباً گسترده تر شده و بسیاری از واژگان جدید در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی از فرانسه و در قرن نوزدهم از انگلیسی وارد زبان آلمانی گشتند. از آن جمله می‌توان به واژه‌ی Tante, Onkel که از زبان فرانسه به آلمانی وارد شده‌اند اشاره کرد. خویشاوندی انچنان که در تاریخ قرون وسطی دیده شده عملکرد اصلی را داشته است و در واقع در آن زمان اشاره به خویشاوندی جهت توضیح موقعیت سیاسی فرد عمل می‌کرده است. مفهوم خانواده تا نیمه سده

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی ۵

نوزدهم، با افکار و دیدگاه های فلسفی همراه بوده، تاریخ تفکر انسان شناسی خانواده و خویشاوندی را برخی انسان شناسان به چهار دوره تقسیم می کنند.

دوره نخست: از نیمه سده نوزدهم، تا آغاز سده بیستم.

دوره دوم: از آغاز سده بیستم، تا نیمه سده بیستم.

دوره سوم: از نیمه سده بیستم تا دهه هفتاد.

دوره چهارم: از دهه هفتاد تا کنون

مرحله اول: در سال ۱۸۶۱ حقوقدان انگلیسی سرهنری مین^۶ در کتاب خود به نام "قانون باستان" نخستین گروه های اولادی را حاصل اتحاد های سیاسی میان خانواده های حاکم بر مبنای تبار های مشترک اعلام نمود، وی جامعه بدوی را اینچنین تعریف می کند: "واحدهای چنین جامعه ای نه افراد، بلکه گروه هایی از افراد هستند که به علت قرابت نسبی واقعی یا فرضی با یکدیگر متحدند" مین، پس از مطالعه های بسیار دریافت که کلید درک مسائل، جامعه و خانواده است؛ و برای شناخت جوامع، شناخت خانواده ضرورتی اجتناب ناپذیر است. مین، خانواده را جزء مهمترین نقاط آغاز تحولات اجتماعی در نظر می گیرد که به تدریج سیاسی تر و قانونی تر نیز می شود بر خلاف مین، لوییس هنری مورگان^۷ در سال ۱۸۷۱ در کتاب خود "نظام های هم خونی و خویشاوندی" اظهار داشت که باید میان خانواده در مفهوم متعارف آن و تیره ها که کارکردی سیاسی داشته اند تفکیک قائل شد. مورگان سعی داشت که نظام های خویشاوندی را تشریع سازد به همین جهت نظام های خویشاوندی را به دو نوع تقسیم کرد

۱- نظام های خویشاوندی عام

۲- نظام خویشاوندی توصیفی

همچنین وی زبانها را به شش قسمت تقسیم کرده است: سودانی، هاوایی، اسکیمو ایرکوا، اوماها و کراو

بعدها پل کرشلف^۸ انسان شناس آلمانی در سال ۱۹۲۷ طبقه بندی واژگان خویشاوندی را ارائه داد و نظام های خویشاوندی را به چهار نوع تقسیم کرد. سودانی و اسکیمویی دو نظام نام گذاری خویشاوندی هستند که به ترتیب مختص زبان فارسی و آلمانی می باشند. نظام نام گذاری خویشاوندان در فارسی، بر پایه «نظام توصیفی» است، که با زبان های عربی، چینی، ترکی و بلغاری مشترک است. در این نظام نام گذاری، هم مذکر/ مؤنث بودن لحاظ شده است، هم تفاوت بین خویشاوندان پدری و مادری، و هم تفاوت بین نسل ها. در نظام اسکیمویی گر چه مانند نظام سودانی اصطلاح جداگانه ای برای مادر، پدر، خواهر و برادر وجود دارد که قابل انطباق به خویشاوندان دیگر نیستند، اما تمایزی میان

خویشاوندان پشت پدر و پشت مادر وجود ندارد. از ویژگی‌های این نظام تأکید بر خانواده هسته‌ای بصورت دو سویه است. در سال ۱۸۹۷ کوهر^۹ از نقطه نظر واژه‌شناسی به مطالعه نظام خویشاوندی سرخپوستان اوماها و کراو می‌پردازد. مفاهیمی چون مادرتباری و مادرسالاری از واژه‌های تخصصی حوزه انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی است که در نیمه دوم سده نوزدهم به آن توجه شد. در نیمه دوم قرن نوزده گمانه زنی‌های بسیاری رواج می‌یابد که امروزه همگی آنها منسوخ شده‌اند از جمله پیشینی بودن نهادهای مادر تبار به نسبت نهادهای پدر تبار، وجود بقایای مادر سالاری در نهادهای اخیر و غیره.

مرحله دوم: در این مرحله که از آغاز سده بیستم تا نیمه قرن بیستم می‌باشد مباحث خویشاوندی به صورت تخصصی بررسی شده و واژگان جدیدی نو آوری و اختراع شدند. از سال ۱۹۰۹ که بحث میان ریورز^{۱۰} و کروبر^{۱۱} در باره واژگان خویشاوندی پیش آمد که از یک سو به واژه "اولاد" و نظام خانگی اشاره داشت، و از سوی دیگر واژه "دوده" (تعلق به یک تبار) نظامهای سیاسی-حقوقی را در بر میگرفت. پیوندهای خویشاوندی را می‌توان به سه رابطه ابتدایی خلاصه کرد:

الف. رابطه فرزندی (والدین/فرزندان)

ب. رابطه خواهر برادری (برادر/خواهر، برادر/برادر، خواهر/خواهر)

پ. رابطه وصلت (زن/شوهر)

در این مرحله مطالعات نظامهای خویشاوندی در سه جهت متفاوت توسعه یافتند: نظریه گروه‌ها و شبکه‌های فرزندی تک خطی (ریورز، رادکلیف براون^{۱۲} آوانس پرچارد^{۱۳} و فورس^{۱۴})

ب: نظریه‌های وصلت و ازدواج (ون وودن^{۱۵} و لوئی استراوس^{۱۶}) و فلکلور خانوادگی

ج: مطالعات واژه شناختی (کروبر، لاوی^{۱۷} و مورداک^{۱۸})

مرحله سوم: این مرحله که از نیمه سده بیستم آغاز و تا دهه هفتاد ادامه دارد بیشترین تاثیر را در تحول اندیشه انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی دارد. در این دوران مطالعه واژه‌های کلیدی خویشاوندی را شاهد هستیم. در سال ۱۹۴۹ سه کتاب بطور همزمان به نام‌های پویائی کلان در نزد تالنسی^{۱۹} اثر فورس، ساختار اجتماعی^{۲۰} اثر مورداک ساختار ابتدائی خویشاوندی اثر لوئی استراوس منتشر شد. این کتابها بانوسازی مجموعه چشم اندازه‌های موجود درباره ساختهای خویشاوندی سبب شدند که انسان‌شناسان اروپائی متخصص در این حوزه بویژه دهه هفتاد دست به بازنگری در نظریه‌های پیشین خود در زمینه وصلت و ازدواج بزنند و انسان‌شناسانی چون گودی^{۲۱} و اشنايدر^{۲۲} نیز دست به مطالعات تطبیقی میان نظامهای خویشاوندی و خانواده در غرب و آفریقا زدند. همزمان

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی ۷

تاریخ دانانی چون دویی^{۲۳} و لوژاندر^{۲۴} در زمینه‌هایی مانند نقش کلیسا در توافق‌های زناشویی، آزادی باقی گذاشتن ارث برای باز ماندگان، ممنوعیت طلاق، همسری خارج از ازدواج و غیره به مطالعه پرداختند. این گروه، خویشاوندی معنوی (پدر خواندگی و همیاری خانوادگی) را وابسته‌ای از خویشاوندی جسمانی می‌دانستند. پدیده فمینیستی از یک سو و فنون تولید مثل با کمک ابزارهای پزشکی از سوی دیگر، مبحث فرزندی یا خویشاوندی نسبی را از جنبه‌های دیگر مطرح می‌کردند.

دوره‌ی چهارم (از دهه هفتاد تا کنون): در این دوران مطالعات خویشاوندی توجه اش را از «سازمان اجتماعی» به سمت مجموعه‌ای از نشانه‌ها و معانی فرهنگی سوق داده است.. به نوعی این دوران، اضمحلال خویشاوندی و نیز تولد دوباره خویشاوندی است. یکی از عواملی که باعث غنا و تحول اندیشه و بحث‌های خانواده و خویشاوندی در این دوران شده است، رشد دیدگاه‌ها و نقدهای فمینیستی در چند دهه‌ی اخیر است. از سوی دیگر با گسترش ناگهانی فنون تولید مثل به کمک ابزارهای پزشکی، شاهد پیدایش بحث‌های جدید در حوزه خانواده و خویشاوندی می‌شویم. مانند : مادران کرایه‌ای و بانک اسپرم و تلقیح مصنوعی و غیره. موضوعاتی که پای جامعه پزشکی و کلیسا را نیز به مباحث مورد علاقه انسان‌شناسی باز می‌کند؛ همچنین حقوق‌دانان و قانون گذاران باید به برخی از پرسش‌های قانونی درباره مسائل فوق پاسخ بدهند ؛ زیرا شیوه‌های جدید تولید مثل همانند دریافت اسپرم دیگری یا به کار بردن رحم یک زن بیگانه برای بارآوری و غیره، می‌توانند معنای خویشاوندی نسبی را به تردید و پرسش بکشانند. از نقطه نظر زبان‌شناسی اجتماعی، یکی از گسترده‌ترین پژوهش‌هایی که با رویکردی عام به رابطه میان زبان، فرهنگ و تفکر انجام شده، توسط ترادگیل^{۲۵} صورت گرفته است. ترادگیل معتقد است که تاثیر جامعه و تحولات آن بر زبان مشهودتر و قابل ملاحظه تر است این تاثیرات در واژگان زبان آشکارتر است. (مدرسی، ۱۳۹۰: ۲۳) به عقیده ترادگیل (۱۹۸۳) بازتاب سامانه روابط خویشاوندی یک جامعه را می‌توان در واژگان خویشاوندی به کار رفته در آن مشاهده نمود و به همین دلیل است که مطالعه واژگان خویشاوندی همواره مورد توجه مردم‌شناسان بوده است. به نظر ترادگیل بازتاب یک جامعه را می‌توان در زبان آن مشاهده نمود و تغییرات اجتماعی می‌تواند موجب تغییرات زبانی گردد. این تغییرات اجتماعی و گاه سیاسی تاثیر خود را در حوزه زبان نیز بر جای گذاشته است وارداف (۱۹۹۰) نیز یکی از کسانی است که به رابطه بین زبان و فرهنگ پرداخته وی نظامهای خویشاوندی را ویژگی جهانی تمام ربانها دانسته که همگی در عواملی مانند جنسیت، سن، نسل، همخوانی

و ازدواج مشترک هستند. وارداف معتقد است تغییر شرایط اجتماعی می‌تواند باعث تغییر نظام‌های خویشاوندی شود

در مطالعاتی که در زمینه روابط خویشاوندی در زبان فارسی صورت گرفته باطنی (۱۳۷۸) با توجه به حوزه‌های معنایی مختلف واژگان خویشاوندی در زبان فارسی و انگلیسی را مورد بررسی قرار داده است و بنیاد تجربی روابط خویشاوندی در زبان فارسی را محسوس و مجزا دانسته است چرا که افرادی که واژگان به آنها اشاره می‌کنند هم وجود خارجی دارند و هم مجزا و منفرد از یکدیگر هستند. به عبارت دیگر بعضی خصوصیات که در برش معنایی زبان مهم تلقی نشده‌اند در زبان فارسی با اهمیتند و واژه‌های بیشتری برای بیان آنها اختصاص داده شده است. زاهدی (۱۳۸۸) نیز واژگان خویشاوندی را در دو زبان فارسی و انگلیسی به منظور یافتن الگوهای فکری، فرهنگی و نمودهای زبانی مورد بحث و بررسی قرار داده است، در این پژوهش واژگان خویشاوندی در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته و با واژگان خویشاوندی در زبان انگلیسی مقایسه شده است و همچنین روابط همنشینی را از نوع واژگانی بررسی می‌نماید. اصطلاحات و ضرب‌المثلها نیز که در این مقاله به آنها پرداخته شده است جایگاه ویژه‌ای در هر زبان دارند و جزئی لاینفک هر زبانی هستند. در زمینه انعکاس روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی حسن ذوالفقاری (۱۳۹۱) در پژوهشی نخست خویشاوندان را به دسته‌هایی تقسیم و فراوانی ضرب‌المثل‌های مربوط به هر دسته را از فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی (ذوالفقاری ۱۳۸۸) استخراج کرده و در پایان به این نتیجه رسیده است که خویشاوندان نزدیک جایگاه ویژه‌ای در ضرب‌المثلها دارند و فراوانی بیشتر نشانه اهمیت بیشتر خویشاوندان است. کلهر (۱۳۸۰) و موحد و دیگران (۱۳۹۱) به جایگاه زن در ضرب‌المثل پرداخته‌اند، با توجه به اینکه یکی از معانی و کاربردهای واژه زن در زبان فارسی همسر است به موضوع خویشاوندی نیز گریزی زده‌اند.

روش انجام تحقیق

مقاله حاضر به منظور بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان‌های فارسی و آلمانی به روش مقابله‌ای که شاخه‌ای از زبان‌شناسی تطبیقی است و هدف آن کمک به یادگیری زبان می‌باشد برآنست تا نقاط مشترک و تفاوت‌های عمده دو زبان را مشخص کند. این مقاله با استفاده از روش تطبیقی جرج بردی (توصیف، تفسیر، مقایسه و تطبیق) که در زمره روشهای توصیفی - تحلیلی است ارائه می‌گردد. بدین ترتیب که در مرحله اول با مراجعه به منابع موجود (کتابها، سایت‌های اینترنتی) و پرداختن به کلیه واژگان خویشاوندی سببی و نسبی، تمامی عناصر خویشاوندی در زبان‌های فارسی و آلمانی را

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی ۹

بررسی کرده و تفاسیر لازم مربوط به هر کدام را در قالب معنا، جنسیت همچنین تاثیر گذر زمان و واژگان ترکیبی توضیح داده می شود. مقاله حاضر در حوزه اصطلاحات و ضرب المثل های فارسی و آلمانی نیز صورت گرفته است که خود میتواند مقاله ای جداگانه را شامل گردد. لازم به ذکر است که ترکیب های زبانی اشاره شده در این بخش را نمی توان آنگونه که در مورد واژگان در نظر گرفته شد دقیقاً معادل یکدیگر دانست.

یافته های تحقیق

بررسی واژه های خویشاوندی

در این قسمت ابتدا فهرستی مقایسه ای جهت تطبیق واژگان خویشاوندی در زبان فارسی و آلمانی ارائه گردیده و سپس گستردگی معنایی، جنسیت و تاثیر گذر زمان بر این واژگان و همچنین واژگان ترکیبی خویشاوندی مورد بررسی قرار می گیرد

جدول ۱- کلیه واژگان خویشاوندی نسبی و سببی فارسی و آلمانی

آلمانی	فارسی
Mutter, Mutti, Muetterchen	مادر، مامان، ننه، خانم جان
Vater, Papa, Vaeterchen	پدر، بابا، آقا جان
Sohn/Junge	پسر
Tochter/Maedchen	دختر
Schwester	خواهر، آجی، همشیره *
Bruder	برادر، داداش
Grossmutter, Grossmutti, Oma	مادر بزرگ، مامان بزرگ، مامانی، خانم جان
Grossvater, Opa	پدر بزرگ، بابا بزرگ، بابایی، آقا جان
Onkel	عمو
Onkel	دایی
Tante	خاله
Tante	عمه
Kusine(Base)	دختر عمو، دختر خاله، دختر دایی، دختر عمه
Kusin (Vetter)	پسر عمو، پسر خاله، پسر دایی، پسر عمه

Tante	زن عمو، زن دایی
Onkel	شوهر خاله، شوهر عمه
Schwager	برادر زن، برادر شوهر، باجناق، شوهر خواهر
Schwaegerin	زن بردار، جاری، خواهر شوهر، خواهر زن
Braut / Schwiegertochter	عروس
Brautigam/ Schwiegersohn	داماد
Schwiegermutter	مادر شوهر، مادر زن
Schwiegervater	پدر شوهر، پدر زن
Enkel, Grossenkel , Urgrossenkel	نوه، نتیجه، نبیره
Neffe(mas.), Nichte(fem.)	برادرزاده، خواهرزاده
Stiefmutter	نامادری، مادراندر، زن بابا
Stiefvater	ناپدری، پدر اندر، شوهر ننه
Stiefschwester/ Stiefbruder(Halbschwester/Halbbruder)	خواهر ناتنی/ برادر ناتنی

گذر زمان و اصطلاحات خویشاوندی

"هر زبانی در طول تاریخ تغییر می‌پذیرد. بسیاری اصطلاحات و تعبیرات، بر مبنای تغییر وضعیت اجتماعی، دیر یا زود منسوخ یا متحول می‌شود و لغات نو و تازه‌ای جای آنها را می‌گیرد که به اقتضای تحولات اجتماعی ساخته شده‌اند." (کوشک جلالی، ص ۱۱۳). شاید یکی از این واژگان مادر باشد، مادر در زبان فارسی و همچنین آلمانی بسته به نوع فرهنگ خانواده، یا به صورت کتابی مادر می‌شوند که به آلمانی Mutter خطاب می‌شود یا مامان در صحبت عامیانه که Mutti در زبان آلمانی می‌باشد. از آنجا که با گذشت زمان، زبان نیز تغییر می‌نماید. در گذشته‌های دور به مادر ننه نیز گفته می‌شده که این واژه در میان عوام بیشتر کاربرد داشته است که در زبان آلمانی Muetterchen می‌باشد پسوند chen- حاکی از ضعیف بودن و مسن بودن شخص است. همانگونه که در جامعه‌ی فارسی زبان خانم‌های مسن را مادر خطاب می‌کنند در زبان آلمانی نه در زمان حال، در گذشته‌ای نه چندان دور از واژه‌ی Muetterchen استفاده می‌شده است. در زبان فارسی در گذشته مادر را در بعضی از خانواده‌ها "خانوم جان" خطاب می‌کردند که این برگرفته از احترامی بود که پدر خانواده به همسرش می‌گذاشت. در حال حاضر این واژه بیشتر خطاب به مادر بزرگ‌ها می‌باشد. مثالی دیگر: پدر در زبان فارسی واژه‌ای کتابی است البته در بعضی از خانواده‌ها این واژه کاربرد دارد در جامعه نیز پدر صورت رسمی‌تری دارد در زبان آلمانی

واژه‌ی معادل آن Vater می‌باشد. وقتی از حالت رسمی این واژه خارج می‌شویم با صورت دیگر آن یعنی "بابا" برخورد می‌کنیم البته در کلاس اول دبستان اولین واژه‌ای که کودکان می‌آموزند همین بابا است که صورت صمیمی‌تر پدر را دارد. در زبان آلمانی واژه‌ی معادل آن papa می‌باشد. در گذشته واژه‌ی "آقا جان" صورت رسمی "بابا" بوده است که حاکی از قدرت مرد و همچنین "پدر سالاری" در جامعه ایران بوده است در حال حاضر این واژه در برخی از خانواده‌ها جهت خطاب به پدربزرگ خانواده به کار می‌رود. همانگونه که ذکر شد، پدر در زبان فارسی و همچنین آلمانی بسته به نوع فرهنگ خانواده هر کدام، یا بصورت کتابی پدر خطاب میشوند که به آلمانی Vater میشود که در صحبت عامیانه Papa می‌باشد.

در زمانهای گذشته، در زبان آلمانی از واژه Oheim برای برادر مادر(دایی) و شوهر خاله استفاده میشده است، و پیش از Oheim از واژگان Muhme و همچنین Base برای خواهر مادر (خاله) و زن برادر مادر (زن دایی) استفاده میشده است. مثال دیگر: قبل از ورود واژگان Onkel و Tante از زبان فرانسه که با فرآیند قرض‌گیری به زبان آلمانی وارد شده‌اند. از واژگان Vetter برای عمو و Base برای عمه استفاده می‌شده است که بعدها جایگزین پسرعمو و دخترعمو گردید از واژه دیگری که در طی دوران در زبان آلمانی به معانی مختلفی از آن استفاده شده است واژه عروس Braut است که در ادبیات آلمانی باستان به معنی زوجه شرعی بوده است، عروس به معنای همسر پسر Schwiegertochter یکی از معانی قرض‌گیری شده از زبانهای رومی است این معنی در دوران گذشته برای اطلاق به زن جوان ارزش منفی داشته است. یکی دیگر از مواردی که طی گذر زمان دچار تغییر و تحول گردیده است روند گسترش علم و تکنولوژی می باشد. بطور قطع این مسئله باعث بوجود آمدن واژگان نو گشته است، که حوزه اصطلاحات خویشاوندی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این رابطه توان از پیشرفت علم پزشکی در زمینه باروری یاد کرد که واژه رحم کرایه‌ای و یا آبستنی نیابتی در زبان فارسی از جمله واژگانی است که در این باره بکار می‌رود و واژه معادل آن در زبان آلمانی Leih Mutter است. همانطور که می‌بینیم در زبان آلمانی در واژه ترکیبی بکار رفته از واژه مادر استفاده شده در حالیکه در زبان فارسی از واژه مادر استفاده نمی‌شود. مسلماً با پیدایش این موضوع در جوامع قوانین جدیدی در هر زمینه وضع می‌گردد از جمله قوانین مربوط به توارث که در هر دو جامعه کاربرد دارد.

برخی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی و همچنین در زبان آلمانی وجود دارند که دارای گستردگی معنایی هستند که در زبان مقابل تنها یک واژه برای آن وجود دارد مانند واژگان دختر و پسر که در زبان آلمانی اگر در رابطه با دختر یا پسر در حوزه خانواده صحبت شود از واژه Tochter و Sohn استفاده میشود، اما اگر راجع به دختر و پسر در خارج از حوزه خویشاوندی صحبت شود، به ترتیب واژه‌های Maedchen و Junge کاربرد دارد. دکتر باطنی در مطالبی که در مورد اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی نگاشته‌اند از واژگان دو پهلوی نام برده‌اند و مفاهیم را در دو حوزه‌ی عام و خاص بررسی نموده‌اند. مثلاً دختر در مفهوم عام در زبان فارسی به طبقه‌ی انسان‌های مونث که فرزند پدر و مادر مشخصی باشند اعم از اینکه شوهر کرده باشند یا نه دلالت می‌کند. اصطلاح پسر نیز مانند دختر در دو مفهوم متفاوت به کار برده می‌شود و به استثنای جنس که در این مورد مذکر است در دیگر ویژگی‌های معنایی با آن یکسان است. "پاره‌ای از اصطلاحات خویشاوندی نسبی و سببی دو پهلوی هستند. یعنی در دو مفهوم متفاوت به کار برده می‌شوند. این مفهوم را میتوان عام و خاص نامید. وقتی اصطلاحی در مفهوم خاص بکار می‌رود، به طبقه‌ای از افراد اشاره می‌کند که خصوصیات خویشاوندی مشترکی دارند. وقتی همین اصطلاح در مفهوم عام بکار می‌رود، به طبقه دیگری اشاره می‌کند که خصوصیات خویشاوندی ذکر شده الزاماً درباره آنها صادق نیست. مثلاً زن در مفهوم عام به طبقه انسانهای بالغ مؤنث در مقابل انسانهای مذکر بالغ (مردان) اشاره می‌کند ولی در مفهوم خاص یا محدود به طبقه کوچکتر از آنها که شوهر کرده‌اند (در مقابل شوهر) دلالت دارد." (باطنی، ۱۳۷۴: ۱۶۶). در رابطه با مطلب بالا تطابقی کامل در زبان آلمانی و فارسی دیده می‌شود. در زبان آلمانی واژه Frau هم به معنای عام بعنوان انسان بالغ مؤنث و هم در مفهوم خاص در طبقه کوچکتر در مقابل شوهر قرار دارد. در رابطه با واژه مرد یا شوهر در زبان آلمانی تنها یک واژه Mann استفاده میشود. واژه بچه نیز بدون در نظر گرفتن جنسیت چه در زبان فارسی و چه در زبان آلمانی نقشی دو پهلوی دارد. همانطور که در بالا پیرامون اصطلاحات دو پهلوی اشاره کردیم بچه نیز هم به مفهوم خاص در حوزه خویشاوندی و محدود و هم در مفهوم عام به معنای شخص نابالغ خطاب می‌شود. دکتر باطنی جهت تحلیل معنایی موارد فوق به مشخصه جنس، ازدواج، فرزندی و سن در این موارد اشاره کرده است. چرا که این مشخصه‌های معنایی ایجاد تفاوت در محتوای معنایی واژه می‌نماید. مشخصه جنس می‌تواند در محتوای واژه نقش داشته باشد و یا تمایزی ایجاد نکند. در صورتیکه نقش مذکر به عهده داشته باشد آنرا با علامت (+) و اگر مونث باشد آنرا با علامت (-) مشخص می‌نماییم. چنانچه مشخصه جنس نقشی به عهده نداشته

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی ۱۳

باشد علامت (+ -) بکار می‌بریم. در مورد ازدواج و فرزندی نیز: ازدواج کرده (+)، ازدواج نکرده (-)، ازدواج کرده یا نکرده (+-) و قرزند پدر و مادر مشخصی بودن (+)، نبودن (-)، بودن یا نبودن (+-) با توجه به مواردی که به آن اشاره شد و از آنجا که در رابطه با سه واژه زن مرد و بچه تطابقی در زبان فارسی و آلمانی دیده می‌شود جدول زیر را جهت تحلیل می‌توان ارائه داد.

جدول ۲- تحلیل معنایی اصطلاحات دوپهلوی در زبان فارسی و آلمانی

مشخ صه	زن Frau/ (عام (	زن/ Fra/ u (خاص)	مرد Man/ n	شوهر / Mann	بچه/ Kin/ d (عام)	بچه / Kind (خا ص)
جنس	-	-	+	+	+	+
ازدواج	+	+	+	+	-	+
فرزندی	+	+	+	+	+	+

یکی دیگر از اصطلاحات دو پهلوی در زبان فارسی عروس و داماد است. عروس در مفهوم عام به طبقه‌ی دختران یا زنان تازه شوهر کرده اشاره می‌کند ولی در مفهوم خاص به طبقه‌ای اشاره می‌کند که نسبت به شرط «تازه شوهرکردگی» بی‌اعتنا است اما دارای شرط «همسر فرزند مذکر شخص بودن» است. اصطلاح داماد نیز مانند عروس در دو مفهوم متفاوت به کار برده می‌شود و به استثنا جنس که در این مورد مذکر است در دیگر ویژگی‌های معنایی با آن یکسان است" (باطنی، ۱۳۷۴: ۱۳۶)

واژگان دیگری که در زبان آلمانی دارای گستردگی معنایی هستند Kusun معادل پسرعمو، پسر دایی، پسر عمه و پسر خاله و Kusine بمعنای دختر عمو، دختر دایی، دختر عمه و دختر خاله می‌باشند.

این گستردگی معنا در رابطه با واژه Onkel در زبان آلمانی دیده می‌شود که معادل واژگان عمو، دایی، شوهر خاله، شوهر عمه و همچنین واژه Tante که معادل خاله، عمه، زن عمو و زن دایی استفاده می‌شود. البته در زبان فارسی نیز بسته به فرهنگ خانواده اصطلاحاً به شوهرهای عمه و خاله، عمو نیز گفته می‌شود.

جنسیت و واژگان خویشاوندی

جنسیت و اصطلاحات خویشاوندی نیز مساله دیگریست که میتوان به آن پرداخت بطور مثال واژگان خواهرزاده و برادرزاده که در زبان آلمانی بدلیل مهم بودن اصالت فرد، واژه‌گذاری معادل آنها فقط با در نظر گرفتن جنسیت، Nichte برای دختر و Neffe برای پسر می‌باشد و تعلق دختر یا پسر به خواهر یا برادر مورد نظر نمی‌باشد، لکن در زبان فارسی به علت اهمیت دادن به اصالت ریشه، جنسیت افراد مورد نظر کاربرد نداشته واصل بر ریشه وجودی افراد می‌باشد. با توجه به اینکه اصطلاحات خویشاوندی به ساختار خانواده در جامعه وابسته می‌باشد بعضی از این اصطلاحات هستند که فقط در جامعه‌ای خاص کاربرد دارند. "مثلاً وجود واژه هوو در زبان فارسی را میتوان به این اعتبار نماینده پدیده چند زنی در جامعه ایران دانست" (باطنی، ۱۳۷۴ : ۱۵۹). همانطور که گفته شده پدیده چندزنی در جوامع مسلمان مثل ایران دیده میشود و در جوامع غربی به دلیل عدم قبول چنین پدیده‌ای در اجتماع واژه معادلی برای آن وجود ندارد. در جوامع غربی از جمله آلمان زندگی مشترک زن و مرد قبل از ازدواج امکان‌پذیر است در این حالت از واژه Partner برای مذکر و Partnerin برای مؤنث استفاده می‌شود.

واژگان ترکیبی و اصطلاحات خویشاوندی

پاره‌ای از واژگان خویشاوندی در زبان فارسی از ترکیب دو واژه‌ی خویشاوندی به دست آمده‌اند مانند دختر عمو یا زن دایی. این واژگان در زبان آلمانی به صورت تکواژه استفاده می‌شوند و حالت ترکیبی ندارند. برخی دیگر از واژگان خویشاوندی نسبی در زبان فارسی هستند که با تغییراتی که در آنها وارد می‌شود اشاره به روابط خویشاوندی دارند که ناشی از زناشویی مجدد است در این موارد در زبان فارسی پیشوند "نا" و پسوند "ی" به اصطلاحات اضافه می‌شود. به طور مثال نامادری، ناپدری و یا اینکه با اضافه کردن صفت ناتنی به این اصطلاحات روابط خویشاوندی نشان داده می‌شود مانند خواهر ناتنی، برادر ناتنی. در زبان آلمانی نیز در این گونه موارد از واژگان ترکیبی استفاده می‌شود. در رابطه با واژه‌هایی مثل زن بابا (نامادری) یا شوهر مادر (ناپدری) در زبان فارسی، در زبان آلمانی از پیشوند Stief استفاده می‌شود مانند Stiefmutter و Stiefvater و چنانچه مرد یا زن قبل از ازدواج با یکدیگر از زن و یا شوهر قبلی خود فرزندی داشته باشند در زبان آلمانی پیشوند Stief برای چنین روابط خواهر و برادری نیز کاربرد دارد، در حالیکه در زبان فارسی تنها از واژه ناتنی استفاده می‌شود. در زبان آلمانی از پیشوند Halb برای خواهر، برادر و یا خویشاوندان نسبی که فقط از یک طرف (مادر یا پدر) نسبت دارند استفاده میشود مثل Halbbruder که معادل فارسی آن برادر ناتنی است. همانگونه که

در بالا مشاهده می‌کنیم گستردگی معنایی در رابطه با واژه ناتنی در زبان آلمانی مشاهده میشود.

مورد دیگری که در اصطلاحات خویشاوندی قابل بررسی است خویشاوندان سببی هستند. در جامعه فارسی‌زبان بدلیل گستردگی روابط خانوادگی واژه‌های مختلفی خطاب به خویشاوندان سببی یافت میشود مانند باجنق، جاری، برادر زن، خواهرزن که واژه‌های ترکیبی هستند. در زبان آلمانی برای نشان دادن خانواده‌های سببی که بواسطه ازدواج زن و مرد تشکیل شده‌اند از واژه بنیادی -Schwieger استفاده می‌شود. بطور مثال واژه ترکیبی Schwiegermutter برای مادرزن و مادر شوهر هر دو بکار می‌رود و یا واژه Schwiegervater که به معنای پدرزن و پدرشوهر است. زمانی که از واژه Schwager در زبان آلمانی استفاده می‌شود به معنی برادرزن، برادر شوهر و همچنین شوهر خواهر است. واژه Schwaegerin به معنای خواهر شوهر و خواهر زن و همچنین زن برادر می‌باشد.

نوه در آلمانی Enkel گفته می‌شود یکی دیگر از مواردی که در زبان آلمانی به صورت ترکیبی استفاده می‌شود زمانی است که در مورد نتیجه، نبیره و ندیده در زبان آلمانی صحبت می‌شود که بر خلاف زبان فارسی واژه‌ای مجزا وجود ندارد بلکه پیشوند Gross قبل از Enkel قرار گرفته و به معنای نتیجه می‌شود و برای واژه نبیره پیشوند Ur را پیش از Grossenkel قرار می‌دهند. به این ترتیب Ururgrossenkel به معنای ندیده می‌شود. چنین قانونی در رابطه با دختر دختر عمو یا پسر پسر عمو نیز به شرح فوق صادق است. با توجه به مطالب عنوان شده تحلیلی معنایی از شبکه نسبی خویشاوندی به سبک دکتر باطنی می‌توان ارائه داد. دکتر باطنی در نوشته خود در این رابطه از نسل نام می‌برد. نسل‌های قبل را با علامت (-) و نسل‌های بعد را با علامت (+) مشخص می‌کنیم. نسل‌های قبل و بعد را به ترتیبی که از خود دور می‌شوند با شماره نشان می‌دهیم. مثلاً ۱ - یعنی یک نسل قبل و ۳+ یعنی سه نسل بعد و غیره.

کد اختصاری MSCH مختصر Schwester der Mutter و به معنای خواهر مادر می‌باشد.

کد اختصاری VSCH مختصر Schwester des Vater و به معنای خواهر پدر می‌باشد.

کد اختصاری MB مختصر Bruder der Mutter و به معنای برادر مادر می‌باشد.

کد اختصاری VB مختصر Bruder des Vaters و به معنای برادر پدر می‌باشد.

در رابطه با پدر، مادر، عمه، عمو، دایی و خاله عدد ۱ پیش از کد اختصاری آنها گذاشته شده که به معنای یک نسل بالاتر است. در رابطه با دختر عمه، عمو، دایی، خاله و پسر

عمه، عمو، دایی و خاله چون در زبان آلمانی تنها به لحاظ جنسیت در این واژگان تفاوت دیده می‌شود حرف اختصاری K شماره گذاری شده است. همچنین در مورد واژگان خواهر زاده و برادر زاده به دلیل اینکه در زبان آلمانی تنها به لحاظ جنسیت در این واژگان تفاوت دیده می‌شود از کد اختصاری N استفاده شده است. و عدد ۱ به معنای یک نسل بالاتر در کنار آن قرار داده شده و در مورد اینکه فرزند برادر و یا خواهر باشد شماره گذاری شده است. در رابطه با نوه، نتیجه، نبیره و ندیده به لحاظ اینکه نوهی پسر و یا دختری باشد و به چه نسلی تعلق دارد شماره‌گذاری در جدول انجام شده است. در رابطه با مادر بزرگ و پدر بزرگ نیز بسته به اینکه از جانب مادری و یا پدری باشند و چند نسل به عقب بر می‌گردد در این جدول شماره‌گذاری انجام گرفته است.

جدول ۳- نمای کلی روابط خویشاوندی نسبی (فارسی و آلمانی)

ردیف	کد	فارسی	آلمانی
۱	1V	پدر	Vater
۲	1M	مادر	Mutter
۳	B	برادر	Bruder
۴	SCH	خواهر	Schwester
۵	1MSCH	خاله	Tante
۶	1VSCH	عمه	Tante
۷	1MB	دایی	Onkel
۸	1VB	عمو	Onkel
۹	K1	دختر عمو	Kusine
۱۰	K2	پسر عمو	Kusin
۱۱	K3	دختر عمه	Kusine
۱۲	K4	پسر عمه	Kusin
۱۳	K1'	دختر دایی	Kusine
۱۴	K2'	پسر دایی	Kusin
۱۵	K3'	دختر خاله	Kusine
۱۶	K4'	پسر خاله	Kusin
۱۷	+N1	دختر برادر(برادر زاده)	Nichte

۱۷ بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی

Neffe	پسر برادر(برادر زاده)	+N2	۱۸
Nichte	دختر خواهر (خواهر زاده)	+N1'	۱۹
Neffe	پسر خواهر (خواهر زاده)	+N2'	۲۰
Enkel/Sohn	نوه	+1	۲۱
Urenkel/Sohn	نتیجه	+2	۲۲
Urgrossenkel/Sohn	نبیره	+3	۲۳
Ururgrossenkel/Sohn	ندیده	+4	۲۴
		+5	۲۵
Enkel/Tochter	نوه	+1'	۲۶
Urenkel/Tochter	نتیجه	+2'	۲۷
Urgrossenkel/Tochter	نبیره	+3'	۲۸
Ururgrossenkel/Tochter	ندیده	+4'	۲۹
		+5'	۳۰
Grossvater	پدر بزرگ	-1V	۳۱
Grossmutter	مادر بزرگ	-1M	۳۲
Grossvater	پدر بزرگ	-1V'	۳۳
Grossmutter	مادر بزرگ	-1M'	۳۴
Urgrossvater	پدر پدر بزرگ	-2V	۳۵
Urgrossmutter	مادر پدر بزرگ	-2M	۳۶
Urgrossvater	پدر مادر بزرگ	-2V'	۳۷
Urgrossmutter	مادر مادر بزرگ	-2M'	۳۸
Ururgrossvater	جد/نیا	-3V	۳۹
Ururgrossmutter	جد/ نیا	-3M	۴۰
Ururgrossvater	جد/ نیا	-3V'	۴۱
Ururgrossmutter	جد/ نیا	-3M'	۴۲

یکی دیگر از مواردی که می‌توان به آن در حوزه‌ی خویشاوندی توجه نمود استفاده از افعالی است که در مورد ازدواج و یا طلاق در زبان فارسی کاربرد دارد افعالی ترکیبی همانند شوهر کردن و زن گرفتن در زبان فارسی که فاقد معادل، و یا واژه‌ی جداگانه‌ای در زبان آلمانی می‌باشند. در رابطه با طلاق دادن ممکن است که به صورت مستقیم از

واژه‌ی خویشاوندی استفاده نشده باشد اما به طور معمول در زبان فارسی مرد طلاق می‌دهد و زن طلاق می‌گیرد عدم تشابه حقوق زن و مرد در قضیه طلاق را حتی می‌توان در تفاوت زبانی موجود میان افعال به کار رفته برای ایشان نیز مشاهده نمود. با توجه به توضیحاتی که در بالا داده شد به ترتیب جداولی جهت بررسی، مشاهده و مقایسه این موارد در دو زبان فارسی و آلمانی در زیر آورده شده است.

جدول ۴-مقایسه افعال ترکیبی خویشاوندی در زبان فارسی و آلمانی

فارسی	آلمانی
زن گرفتن، شوهر کردن	verheiratet
طلاق گرفتن، طلاق دادن	Ehe scheiden lassen scheiden lassen

تطابق اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی و آلمانی

ضرب‌المثل‌ها جملاتی هستند که طبق تجربه عام بوجود آمده‌اند و عموماً نیز تجربه‌ای عام را با جملاتی ساده ولی محکم بازگو می‌کنند. هر شخصی دارای گنجینه‌ای از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زبان مادری‌اش می‌باشد. ما حتی گنجینه‌ای از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های مختلف در زبان‌های بیگانه‌ای که فرا گرفته‌ایم، داریم. اصولاً اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها جایگاه ویژه‌ای در هر زبان دارند و جزء لاینفک هر زبانی می‌باشند. با توجه به مطالب عنوان شده در جامعه فارسی‌زبان ایران اصطلاحاتی هست که هیچ‌گونه جایگزینی در زبان آلمانی ندارد به طور مثال اصطلاح پدر بیمارز در زبان فارسی با تغییر لحن معانی مختلفی می‌دهد که جایگزین مناسبی برای آن در زبان آلمانی وجود ندارد. یا اصطلاح "مادرت را به عزت می‌شونم" حکایت از تلافی کردن کاری ناشایست به صورت ناشایست‌تر است. و یا اصطلاح "پدرم در اومد" در زبان آلمانی معادلی که از واژه‌ی خویشاوندی در آن استفاده شده باشد، وجود ندارد و معادل آلمانی آن "Ich bin am Ende" که ترجمه‌ی تحت‌اللفظی آن من تمام شده‌ام، است. اصطلاح "برو بابا" در زبان فارسی زمانی استفاده می‌شود که شخص حوصله ندارد اما در زبان آلمانی از واژگان خویشاوندی در اینگونه موارد استفاده نمی‌کنند. یا اصطلاح "برو عمو" در زبان فارسی حکایت از نهمی از گزافه‌گویی مخاطب دارد. اصطلاحات ناروایی که در آنها از واژه‌های خویشاوندی استفاده می‌گردد در زبان فارسی تعدد بیشتری نسبت به زبان آلمانی دارد. در زبان فارسی تمرکز چنین نسبت‌هایی بیشتر بر مادر، خواهر و عمه است. اصطلاح جون عمت در زبان فارسی عامیانه زمانی استفاده می‌شود که شخص گفته مخاطب را باور ندارد.

یکی دیگر از این اصطلاحات پدر سوخته در زبان فارسی است که بسته به موقعیت گاهی به معنای آدم ناتو و در مواردی جهت شوخی با بچه ها گفته می شود. در مورد واژه خاله، می توان به ترکیب واژگانی خاله زنک اشاره نمود. خاله زنک در فرهنگ دهخدا به معنی زنی بی سروپا و به صورت مجازی به مردانی اطلاق می شود که مانند زنان عامی عادت به غیبت کردن دارند. آنچه مسلم است در زبان آلمانی از واژگان خویشاوندی کمتری برای اصطلاحات ناروا استفاده می شود اما همیشه این گونه نیست و یکسری اصطلاحات و ضرب المثل ها هست که با دارا بودن واژگان خویشاوندی هم در جامعه آلمانی زبان و هم فارسی زبان با هم کاملاً تطابق دارند. در زیر اصطلاحاتی از این دست داده شده است.

جدول ۵- اصطلاحات و ضرب المثل های فارسی و آلمانی با تطابق نسبی

اصطلاحات و ضرب المثل های آلمانی	اصطلاحات و ضرب المثل های فارسی
Wie der Vatter, so der Sohn	پسر کو ندارد نشان از پدر تو بیگانه خوانش نخوانش پسر / پسر لنگه باباشه
Mutter Sohnchen	بچه ننه
Noch in den Kinderschuhen stecken	هنوز بچه است یا دهنش بوی شیر می ده
Kindermund tut Wahrheit kund	حرف راست را / از بچه بپرس
Ein Mann, ein Wort	حرف مرد یکی است
Der Mann ist der Kopf, aber die Frau dreht ihn	پشت هر مرد موفق یک زن است

بحث و نتیجه گیری

چهار مقوله گستردگی معنایی، جنسیت، گذر زمان و واژگان ترکیبی خویشاوندی مواردی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است و با بررسی مطالب عنوان شده نتایج به دست آمده را می توان اینگونه توصیف نمود که در زبانی مانند زبان آلمانی تعداد واژه های خویشاوندی کمتری نسبت به زبان فارسی دیده می شود دلیل عدم وجود تعداد بیشتری از واژه های خویشاوندی را نمی توان ناشی از عدم شناخت این روابط دانست که تاییدی بر نظریه وورف می باشد. تفسیری که برای وجود چنین تفاوتی در واژگان خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی می توان ارائه داد تفاوت در نوع نگرش افراد به این نسبت ها می باشد. بدین معنی که در فرهنگ آلمانی تفاوت چندانی میان عمو و شوهر عمه یا خاله و زن دایی وجود ندارد در حالیکه در فرهنگ فارسی وجود واژگان متفاوت برای این

نسبت‌ها نشان دهنده تفاوت نظر گوینده به این افراد و نوع و شدت رابطه‌ای است که آنها با فرد برقرار می‌کنند. در رابطه با واژگان پسر عمو، پسر دایی، پسر عمه و پسر خاله همچنین واژگان دختر عمو، دختر دایی، دختر عمه و دختر خاله نیز در زبان آلمانی گستردگی معنایی دیده می‌شود که شاید بتوان دلیل آنرا اهمیت کمتر روابط فرد با دختر عمو و... دانست.

یکی دیگر از مواردی که نشانگر تفاوت فرهنگی ایرانی و آلمانی شده است توجه نمودن به فردیت شخص می‌باشد. نمونه بارز چنین تفاوتی را می‌توان در مورد واژگان بکار رفته برای فرزندان خواهر و برادر مشاهده کرد.، همچنین در مورد واژگانی مثل دختر عمو، دختر خاله و... و پسر عمو، پسر خاله و... تنها در زبان آلمانی جنسیت فرد عنوان شده است در صورتیکه در زبان فارسی نوع روابط که از طرف پدری و یا مادری باشند نیز اهمیت دارد. مطلبی که در هر دو زبان به وضوح دیده می‌شود اینست که اصطلاحات بکار رفته در رابطه با مرد نشانگر مرکزیت و قدرت می‌باشد البته این مسئله در زبان فارسی نمود بیشتری دارد. به طور کلی یکی از مسائلی که می‌توان به آن اشاره کرد اهمیت بیشتر روابط خانوادگی و خانواده در جامعه فارسی زبان می‌باشد. با بحث پیرامون جنسیت و واژگان خویشاوندی در زبان آلمانی به واژگانی اشاره شد که در جامعه فارسی زبان مرسوم نمی‌باشد همچنین به علت مجاز بودن داشتن چند همسر از سوی مرد در زبان فارسی واژه‌ای هست که در زبان آلمانی موجود نیست و می‌توان گفت در میان عناصر خویشاوندی و تحت تاثیر دین، ازدواج در رده نخست تاثیر پذیری‌ها قرار دارد

با توجه به مطالب عنوان شده بوضوح می‌توان تاثیر گذر زمان را بر روی واژگان خویشاوندی بکار رفته مشاهده کرد. تماس و برخورد اجتماعات انسانی باعث بروز تغییراتی در کار برد این واژگان شده است. در این باره بروز جنگها قرض گیری واژگانی را سبب شده، همچنین پیشرفت علوم و تکنولوژی در جهان امروز باعث بوجود آمدن واژگان نو در هر دو زبان گردیده است و طبق گفته وارداف تغییر شرایط اجتماعی می‌تواند باعث تغییر در نظام خویشاوندی شود.

در نهایت می‌توان گفت که واژگان خویشاوندی به وسیله تاریخ، زبان، فرآیندهای روان‌شناختی، ترکیب گروه خویشاوندی، رسوم ازدواج ترجیحی و همچنین با عوامل فرهنگی خاص تعیین می‌شوند تفاوت‌های فرهنگی موجود میان دو جامعه فارسی زبان و آلمانی زبان منجر به تمایزهایی گشته که در واژگان خویشاوندی به کار گرفته شده در این دو زبان نیز قابل مشاهده است. همچنین تفاوت‌هایی به لحاظ دستوری در واژگان خویشاوندی در دو زبان دیده می‌شود. نتیجه به دست آمده از این تحقیق تایید بر نظریه

بررسی تطبیقی اصطلاحات خویشاوندی در زبان های فارسی و آلمانی ۲۱

انسان‌شناسان می‌باشد که زبان را به عنوان ابزاری تکنیکی دانستند که باعث تحول در فرهنگ جامعه می‌گردد..

منابع فارسی:

- استاجی اعظم، بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی، مجله زبانشناسی و گویشهای خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، شماره پیاپی ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- باطنی، محمد رضا، مسایل زبان‌شناسی نوین: تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۴
- درخشان مقدم پریسا، واژه عروس در فرهنگ ژرمنی
- دهخدا علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۲
- دهخدا علی اکبر، امثال و حکم، تهران نشر امیرکبیر ۱۳۸۳
- رحیمی موقر/ اعزازی، جامعه‌شناسی خانواده: با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران نشر روشنگران، چاپ هشتم ۱۳۹۱
- ریور / کلود، مترجم دکتر ناصر فکوهی، درآمدی بر انسان‌شناسی، تهران، نشر نی ۱۳۸۲
- زاهدی کیوان، زبان، تفکر و فرهنگ: دیدگاه‌ها و برهان‌ها / فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۲ شماره ۵ تابستان ۱۳۸۸، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات
- زاهدی کیوان / شمس محمد علی، خویشاوندی و جنسیت در خانواده و بازتاب آنها در زبان، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال پنجم شماره ۱۹ پاییز ۱۳۸۸
- زندى بهمن/ عباسی بیستون، بازتاب روابط خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های فارسی، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال چهارم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۵
- فرهنگ ضرب‌المثل‌های بایرن، "کهن‌ترین ضرب‌المثل‌های آلمانی"، ترجمه: چهارده چریک شاپور www.tarjoome.persianblog.ir/post/61
- کوشک جلالی عباس/ اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی، ابهام در معنا و کاربرد واژه‌ها، مجله نامه فرهنگستان، شماره ۱۱ پاییز ۱۳۷۶
- مدرسی یحیی، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰
- مقصودی، منیژه، انسان‌شناسی خانواده و خویشاوندی، ناشر: شیرازه، ۱۳۸۶
- منصوری مهرزاد/رحمانی شفق، نظام واژه‌های خویشاوندی در زبانها و گویش‌های ایرانی، نشریه زبان‌شناسی تطبیقی، سال پنجم شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- موسسه فرهنگی بشارت/ سیر تحول خانواده، فصلنامه بشارت، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۹
- www.bsharat.com/id/14zan/farhangi-ejtemai/02.html

منابع لاتین:

Halliday, M.A.K (1973) "the functional Basis of Language "in M.A.K.Halliday. on language and Linguistics, NewYork, NY: Continuum.

Enfield, N.J. (2002) "Cultural Logic and Syntactic Productivity: Associated Posture Construction in London", in N.J.Enfield (ed), Ethnosyntax, Oxford: Oxford university press.

Konrad Licht: Geschwister im Konflikt – Eine Alltagsuntersuchung einer Familie in Dassantch, Sudathiopien. In:Documentaries wordwid.Private homepage,2006, abgerufen am 7.Oktober 2013 (der ausführliche Text ist Teil eines multimedialen Projektes ueber soziale Konflikte in Aethiopien.

Dennis Oneil:kinship: An introduction to descent systems and family organization 2013

Duden band 11 ,Redewendungen und Sprichwoertliche Redensarten, 1992 Woererbuch der deutschen Idiomatik/hrsg. Und bearb.von Guenter Drosdowski und Werner Scholze-Stubenrecht.-

Steffen Patzold, Karl Ubl (Hrsg.)VERWANDTSCHAFT, NAME UND SOZIALE ORDNUNG (300-1000)2014

The meaning of Kinship Terms/ Anthony F.C. Wallace and john Atkins,American Anthropologist, New Series, Vol.62, No.1 (Feb.,1960). PP.58-80 <http://www.jstor.org/stable/666908>

Ulf Neundorfer: Verwandtschaftsbeziehungen (Ahnen-und Verwandtschaftsverhaeltnisse / Verwandtschaftsbegriffe). Eigene Homepage. Munchen, 2008, abgerufen am 7.Oktober 2013 (umfassende Uebersicht mit anschaulichen Abbildungen)

پی نوشت

- 1-W.Labov
- 3-Enfield
- 5-Steinberg
- 7-L.Henry Morgan
- 9-Kuhler
- 11-Kroeber
- 13-E.Prtchard
- 15-Van Wouden
- 17-Lowie
- 19-Tallensi
- 21-Goody
- 23-Dubay
- 25-Trudgill

- 2-Sapir
- 4-Whorf
- 6-Sir Henry Maine
- 8-P. Kirchhof
- 10-Rivers
- 12-R. Brown
- 14-Meyer Fortes
- 16-L.Straus
- 18-Murdock
- 20-Social Structure
- 22-D. Schneider
- 24-Legandr